

GAMERVERSE

MARVEL

#1

# SPIDER-MAN

## VELOCITY



دورنامه

dorrnaame.ir

کاری از: کیوان داوند

**MARVEL**

# SPIDER-MAN

## VELOCITY

پس از اینکه پیتر پارکر استاد پیشین ابر شرور خود اوتو اکتاویوس، یا همان دکتر اختاپوس، را شکست داد، و توانست زخم تراژیک مرگ زن عمو می را التیام بخشد، سعی کرد تکه های مختلف زندگی خود را کنار هم جمع کند. او رابطه خود با گزارشگر روزنامه دیلی باگل، مری جین واتسون، را از سر گرفت. یک آپارتمان جدید گرفت! ولی کار اسپایدرمن تمامی ندارد...

WRITER

DENNIS "HOPELESS" HALLUM

ARTIST

EMILIO LAISO

COLORIST

RACHELLE ROSENBERG

LETTERER

VC'S TRAVIS LANHAM

COVER ARTIST

SKAN

VARIANT COVER ARTISTS

ADI GRANOV (DESIGN); GABRIELE DELL'OTTO; MATTHEW WAITE (8-BIT VARIANT)

PRODUCTION  
DESIGN

NICK RUSSELL

ASSISTANT  
EDITOR

MARTIN BIRO

EDITOR

MARK BASSO

EDITOR  
IN CHIEF

C.B. CEBULSKI

CHIEF CREATIVE  
OFFICER

JOE QUESADA

PRESIDENT

DAN BUCKLEY

EXECUTIVE  
PRODUCER

ALAN FINE

FOR INSOMNIAC GAMES & MARVEL GAMES

STUDIO ART DIRECTOR,  
INSOMNIAC GAMES

JACINDA CHEW

LEAD WRITER,  
INSOMNIAC GAMES

JON PAQUETTE

DIRECTOR OF GAME PRODUCTION,  
MARVEL GAMES

ERIC MONACELLI

VP & CREATIVE DIRECTOR,  
MARVEL GAMES

BILL ROSEMAN

SPIDER-MAN  
CREATED BY  
STAN LEE &  
STEVE DITKO

© 2019 MARVEL. No similarity between any of the names, characters, persons, and/or institutions in this magazine with those of any living or dead person or institution is intended, and any such similarity which may exist is purely coincidental.

آیا امکان این وجود  
داره که یک انسان  
در سنین بالا دچار  
فوبیا بشه؟

مثلاً من هرگز  
از زنبورها نمی ترسیدم.

اینها  
موجوداتی پرکار و سخت-  
کوشی هستند که فقط برای  
دفاع از خود نیش می زنند.

BZZZZZZZZZZ

باغ گیاهان بروکلین

خوب، حالا که  
بهش فکر می کنم...

آقا کلاً  
داستان رو تغییر  
دادی. شب ها وحشت  
از کندوهای عسل رو  
کامل حس می کنم.

چطور می تونی  
آرامش کندوهای  
سوارم بزرگ رو  
به هم بزنی؟!

SPLSSH

...احمقانه  
بوده.



THWIP  
THWIP

اگر چه در  
دفاع از خودم...

THWIP

THWIP

...از  
این شهر خیلی  
راحت دزدیدی...



...و البته  
بعضی آدمها...

THWIP  
THWIP  
THWIP



...آلرژى دارند...

WHAH

...به نیش  
زنبورها.



می دونی  
کارم اینه.

PNNK

که پلیدی رو  
تا خونش تعقیب  
کنم.

البته  
خونه شما  
خیلی  
قشنگه.

خیلی  
سبزه.

من که  
وقت نمی کنم  
به کاکتوس هام  
برسم.

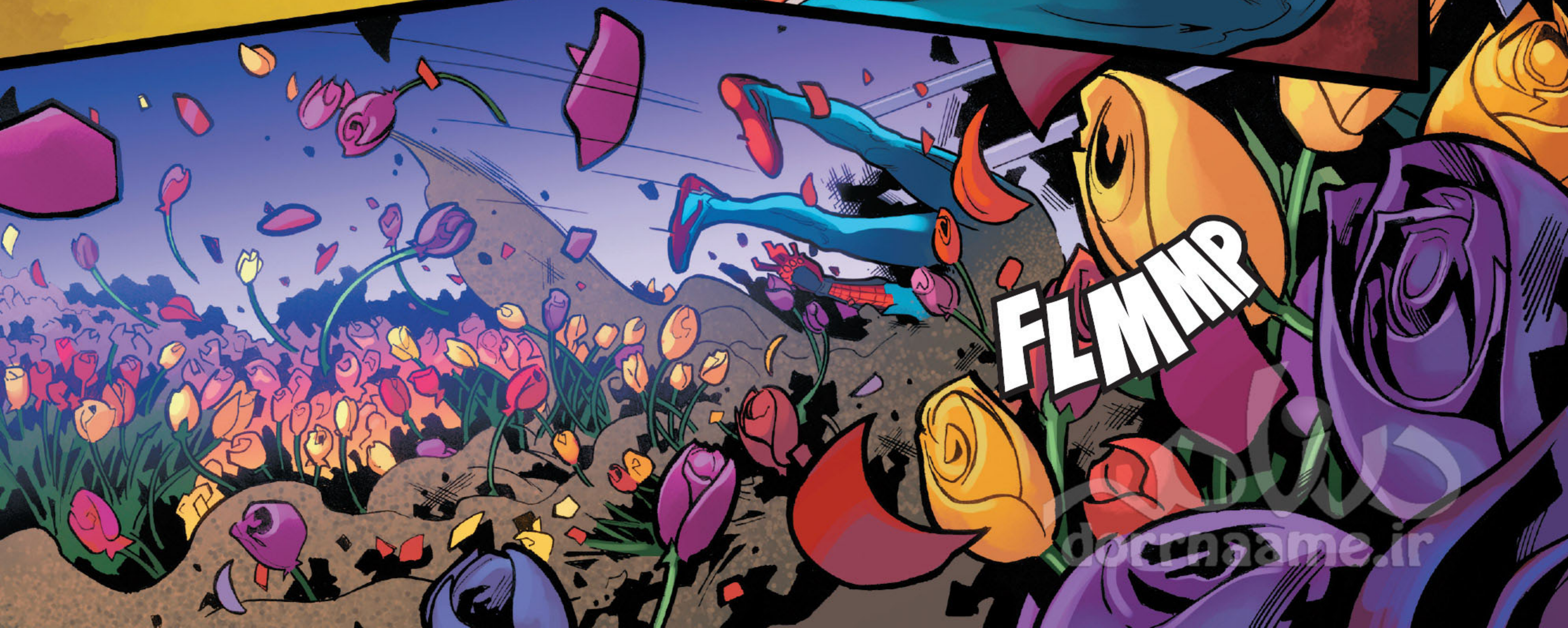
تعداد ما  
زیاده.

ما  
متحدیم.

ما رشد  
می کنیم.

می دونم.  
می دونم. هیچکس  
نمی تونه جلوی گروه  
شما بایسته.

شما نمی تونید  
به ما عنکبوت ها  
آسیب برسونید!  
...999  
...999





ما می ریم.

KROOSH

خودمونو بازسازی می کنیم. ما کار خودمونو ادامه می دیم.

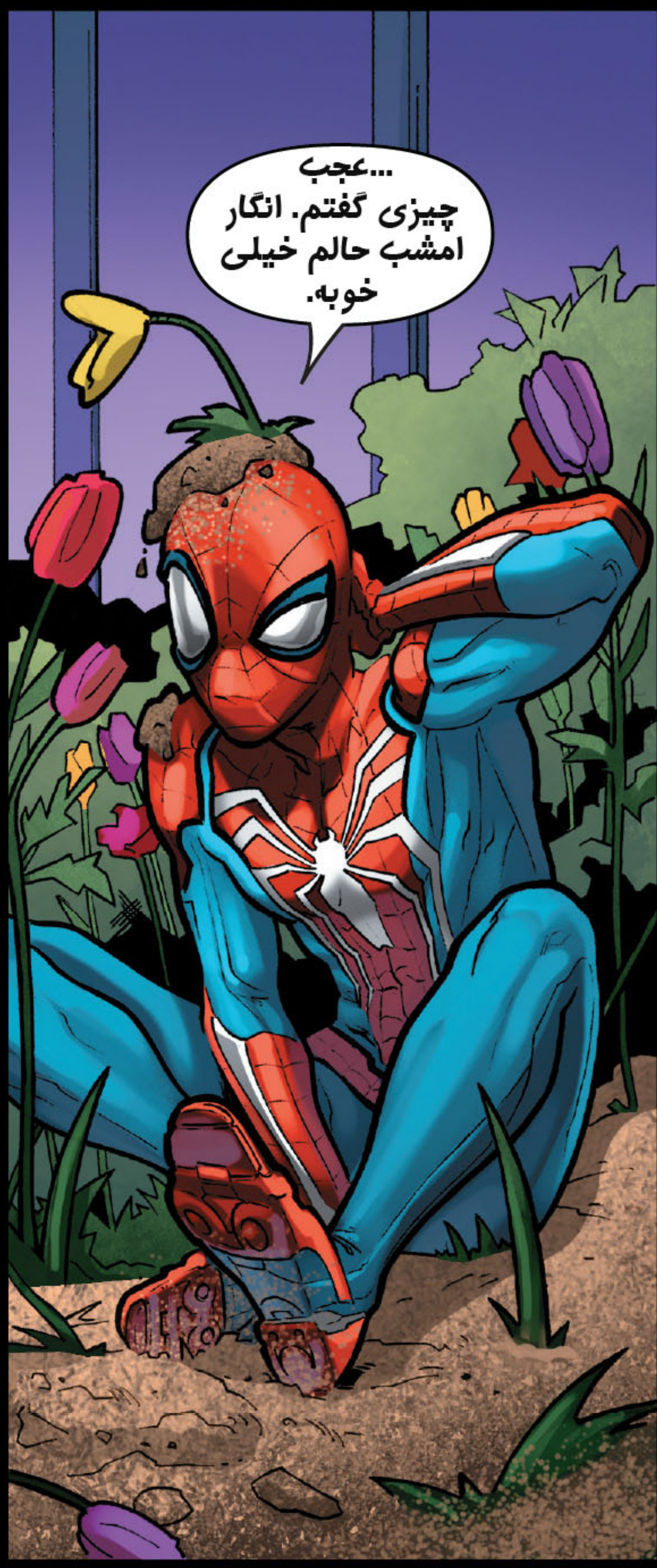


ما رو به حال خودمون رها کن اسپایدرمن.

اگه سعی کنی کندوی ما رو پیدا کنی، نابودت می کنیم.

وقتش برسه میام سراغت مرد عسلی.

ما رو رها کنید زنبورها...



عجب... چیزی گفتم. انگار امشب حالم خیلی خوبه.



یه یادآوری به خودم. یه نگاهی به لباسم بندازم. برای دفاع در برابر شرورهای تیز و بز و نیش زن.

یادآوری: لباس محافظ عنکبوتی. دفاع در برابر موجودات تیز و بز و نیش زن.

کاکتوس ها رو هم آب بده.

آب دادن به کاکتوس!

MJ

خدای من، پیتر، با بن بودم که یکی از کارمندهای بخش اورژانس بهش زنگ زد. الان ما بیرون هستیم تا از افرادی که در یک سری حملات اسرار آمیز حاضر بودند، مصاحبه کنیم.

باورم نمی شه با بن اوریش همکاری می کنم!

مجروحیت ها مثل بقیه موارد.

پارگی ملایم عضلات و کبودی از سر تا پا.

انگار یه چیز نامرئی کتکش زده باشه.



شاهدی نبوده؟

آه! خیلی ها شاهد قضیه بودند! من روی صحنه بودم!



بختون گفتم که اونو لمس نکنید!

راستشو بخواهید من خودم می خوام با میل گرد بزمنش.

آره، این چیز دیگه ایه که بین همه قربانیان مشترکه.



باورت بشه یا نشه، معمولاً تو همچین مواردی کاسه ای زیر نیم کاسه هست.

همه کمابیش داغون اند.



همم.

نمی دونی دیدن بن اوریش حین کار چقدر دیوانه کننده است!؟



می تونی، ولی این کار باعث می شه من ۱۰۰۰ سال پیر بشم.

متأسفم. چاره دیگه ای ندارم. فرد مورد نظر من تویی.



امروز بعدازظهر  
اصلا اینطور نبوده.

این خرابی ها  
بخاطر اون حملات  
بوده؟

اون اینجا  
بلیط می فروشه،  
ولی من باید تو  
دفتر سختی بکشم.  
خودم  
چیزی  
ندیدم.



گوش کن،  
الان این مسئله  
برای شرکت بیمه  
من مشکله.

بعضی وقت ها  
احمق های دهن گشاد  
کنتک هم می خورند.  
چیکار می خواهی بکنی؟



دوربین  
چیزی ثبت  
نگردند؟

از نمایش  
روی صحنه نه.  
کمترین های  
خوششون نمیداد

اونها می گن  
که میان اینجا تا محتوی  
ارائه بدن، نه اینکه تصویری  
ازشون منتشر بشه.

درسته.  
در مورد ویدئوهای  
موبایل ها چطور؟



باید چند سال پیش ممنوع  
می کردم. بخش زیادی از  
سال گذشته رو بدون سرمقاله-  
نویس سر کردیم. چون مردم  
مدام مواردی رو آنلاین  
ارسال می کردند.

عجب  
دنیاایی داریم...

حریم های  
خصوصی از بین  
رفتند.

موارد  
خنده دار  
سریع تر پخش  
می شن.



این ویدئو  
همین الانش کلی  
پربازدید شده.

و از زاویه های  
مختلف.





گوش کنید،  
اگه تا حالا بالای  
یه پل رو گذر دستگیر  
نشدید، حتما...

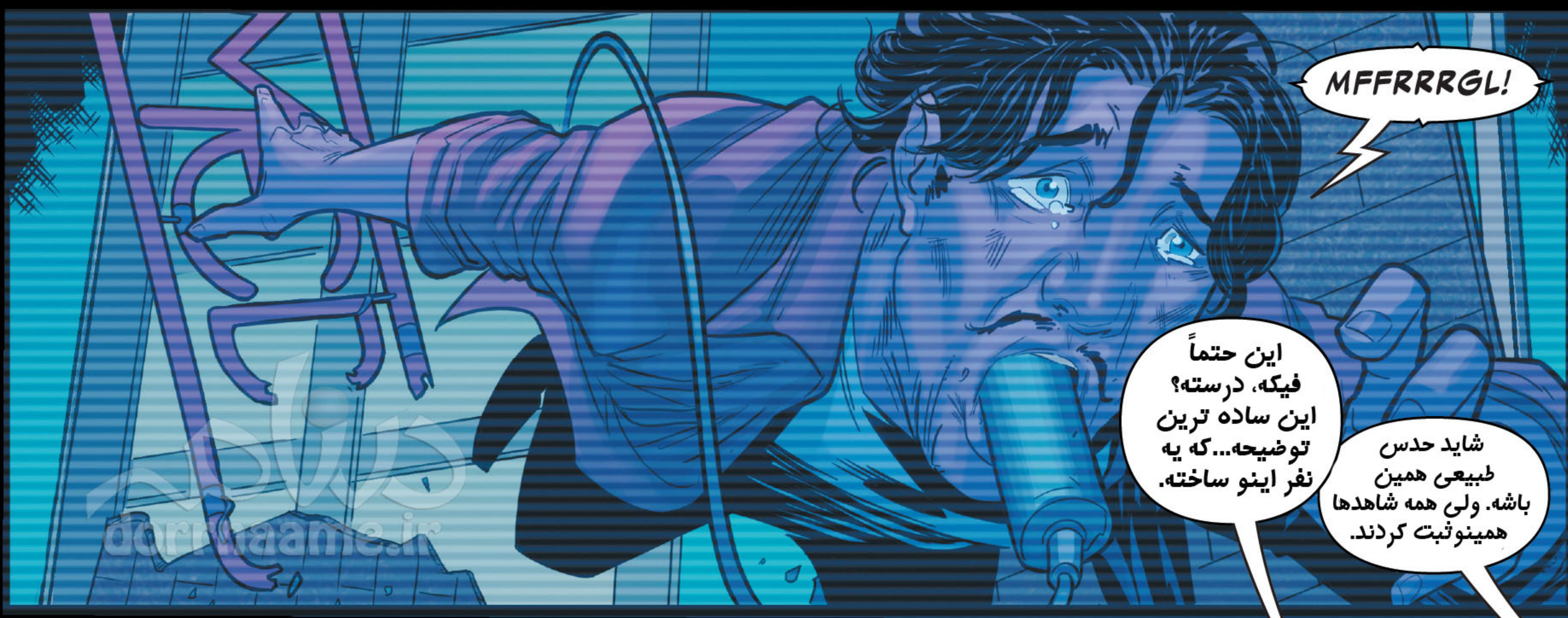


...به اندازه کافی  
تلاش نکردید...



...کافیه!

**THINK**



**MFFRRRGL!**

این حتماً  
فیکه، درسته؟  
این ساده ترین  
توضیحیه... که یه  
نفر اینو ساخته.

شاید حدس  
طبیعی همین  
باشه. ولی همه شاهدها  
همینو ثبت کردند.



من هر جور چیز عجیب و غریب دیده بودم تو این شهر ولی چیزی به این شکل هرگز. مثل فیلم های ترسناک بود.

یه داستانی یادم افتاد. داستان من نیست. داستان یکی از همکارانه. مگی لورکا. شاید مال پانزده سال پیش.



اون داشت در مورد چیزی تحقیق می کرد... چیزی که با آزکوپر ارتباط داشت...

HONK  
HONK

HONK

HONK  
HONK  
HONK

HONK  
HONK

بسیار خوب، فقط...



GAH!

اوه، بن! خدای من!

CLANG



واوا  
واوا  
واوا



اصلاً امکان نداره!

بذار برم!

# آپارتمان جدید او هنوز کوچک | پیتر پارکر



خدای من.  
اوه، خدای من.  
وای خدای من.  
پیتر.

ام چی؟



خوبم.  
خوبم.  
خوبم.

SLAM



نمی خوام باهات  
مخالفت کنم. ولی  
به نظر خوب  
نمی رسی.

می بخشی  
یهو سرزده وارد  
شدم، ولی اینجا  
نزدیک تر بود.



الان... راه دیگه ای  
برای بیاننش ندارم. فکر  
می کردم اون چیز توی  
ویدئو الکی بود.  
ولی بعدش  
داشتیم به سمت خونه  
می اومدیم که همون اتفاق  
برای ما افتاد. به من و بن  
اوریش حمله شد...

...یه  
روح بود.



اینجوری بهم  
نگاه نکن.  
اسپایدر.  
خط فاصله.  
من.

چند دقیقه بعد...

فکر نمی‌کنم  
که دیوونه شده  
باشی.

باید  
همچین فکری  
کنی! جنون  
آمیزه.

ولی اتفاقی  
که افتاد... واقعی  
بود. نمی‌دونم چی  
بگم.

هی، اگه  
یه روح دوست  
داختر منو تو  
خیابون کشون  
برده باشه...

...من کی  
باشم که...  
پففت.

بس کن.

هاهاهاهاها!

خیلی  
می‌بخشی.  
می‌بخشی.

من باورت می‌کنم.  
فقط یه کم بیشتر باید  
تحقیق کنیم. چون اسپایدرمن  
نمی‌تونه به یه روح  
مشت بزنه...

...مگر  
اینکه وجود خارجی  
داشته باشند.

اینجا  
یعنی چی؟

موضوع.  
عوض شد.

شروع  
یه لباس جدید.



امروز توی باغ گیاهان برو کلین با  
سوارم روبرو شدم...

...همون موقع  
این فکر به سرم  
زد.



در برابر  
شرورهای نیش دار و  
نیش زن شرور ایزوله  
و تقویت شده.  
عنوانش هست...  
ارکنایت (شوالیه عنکبوتی).



نظرت؟

فکر کنم  
که امروز با یه  
آدم زنبوری عظیم  
جنگیدی...  
...با این وجود  
داستان ترسناک من  
احتمالاً به نظر میاد.



گوش کن،  
تا وقتی یه  
توضیح منطقی  
و علمی برای روح  
تو پیدا نکردیم...



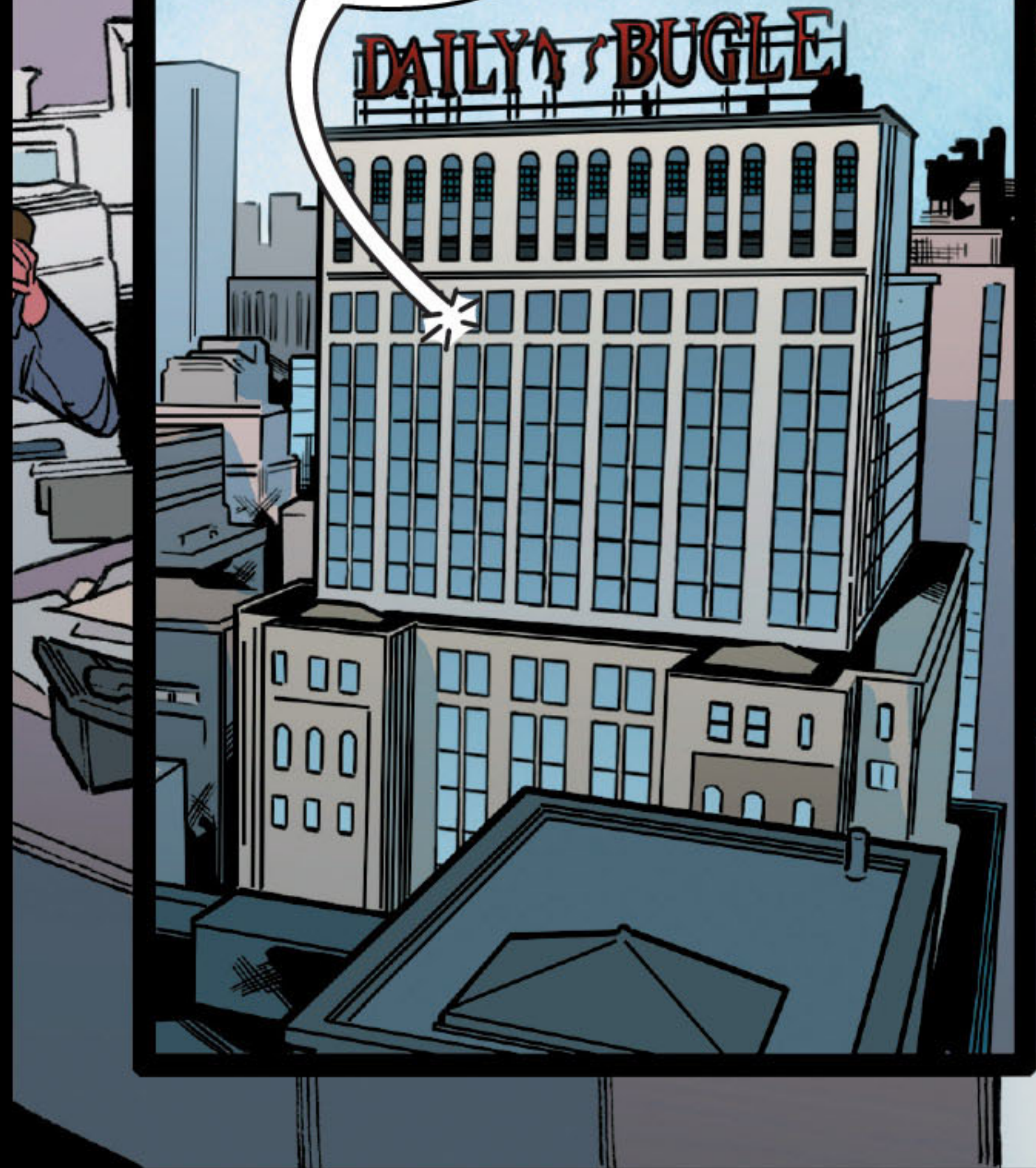
تو از اون  
به عنوان یه  
بجانه برای ساخت  
یه لباس عنکبوتی  
جالب استفاده کنی؟



احتمالاً.

دیلی جاگل  
روز بعد.

پنج دقیقه.  
قول می دم.



فقط سه  
دقیقه دیگه.

TAK  
TAK  
TAK  
TAK

اشکال نداره.  
دوست دارم کار  
کردنت رو ببینم.



...  
تمام!

خوبه.  
حالا می تونی بری  
سراغ اون داستان  
غذایی که غیب می شه و  
قولشو بهم دادی.

TAK



البته رابی.  
بالای لیست  
من قرار داره.

اشکالی نداره که مثل  
سایه دنبال قضیه اوریش  
هستی، ولی نباید بهانه ای  
بشه برای فرار از کارهای  
خودت.

البته  
که نه، رئیس.  
دارم انجامش  
می دم.



خوبه.

از دیدارت  
خوشحالم پیتر.  
خودت لذت ببر  
از نهار  
واتسون.

هییی

ای بابا...  
این بخش انقراقی  
کار به کل یادم  
رفته بود.



دیگه جراید در  
مورد "غذایی که غیب"  
می شه، نمی نویسند.  
شاید خورده شده.

زود باش.  
قبل از رفتنمون  
باید یه سری  
هم به بن بزنیم.

هه.



همیشه انبار و چیزهای قدیمی رو دوست داشتم. تاریخچه زیادی اینجا نگهداری می شه.

یه جورایی غم انگیزه. از وقتی همه چیز دیجیتال شد. هیچکس این پایین نمیداد.



تقریباً هیچکس.

سلام بن. مولی گفت می تونیم اینجا پیدات کنیم.

فقط دارم تو گرد و خاک رو می گردم.



اون قصه ارواح قدیمی رو که برات گفته بودم پیداش کردم.

قصه ارواح؟

مگی لورکا. همکار من که مرد.



صبر، اون مرد؟! صبر،

از دیدار مجددت خوشحالم پیتر. با بازی علم چیکار می کنی؟

اوه... اخیراً زیاد خوب نبوده. ولی هنوز در رؤیا زندگی می کنم.



عجب چیز عجیبی. تحقیق در مورد آزمایشات ژنتیکی غیرقانونی در آزرکوپ؟! عجب

چیز عجیبی.

کمی دیرتر.  
در آپارتمان پیتر...

نمی دونم اینجا  
دقیقاً همون تست هایی  
هستند که آقای منفی  
رو ایجاد کردند یا...

امکانش  
هست.

باید خودش  
باشه. تاریخش که  
می خونه.

چرا حس می کنم که  
تو روی تست کردن ابزار  
جدیدت زیاد متمرکز نیستی  
پیتر؟

چون هنوز هرگز  
به اندازه کافی به  
قابلیت چند کاری بانوت  
پی نبردی.

سرقت  
در جریان... و هنوز  
در جریان. و طبق اطلاعات  
جی پی اس...

...الان  
داری به سمت  
بالا تاب می خوری.

همزمان با  
سایه انداختن تاریکی  
ارکنایت از سایه ها  
قدم به بیرون می گذارد.

اوکی،  
نه.



چشمان او حرکات  
پلید را در یک  
قدمی متوجه می شوند.

پیتر  
صبر کن.

ولی از کنایت...

عصر بخیر،  
آقایون، داشتم فکر  
می کردم می تونید تو یه  
موردی کمک کنید یا نه.

اسپایدرمن!

ما داریم در مورد یه  
زره جدید آزمایش هایی انجام  
می دیم. فکر کردم شاید بخواهی  
قبل از اینکه این دزدها رو بچسبونم  
به دیوار بخواهی یه نگاهی  
به داستان بندازی.

خوب. این کارو  
به شکلی خسته کننده  
به روش اسپایدرمن  
قدیمی انجام می دم.

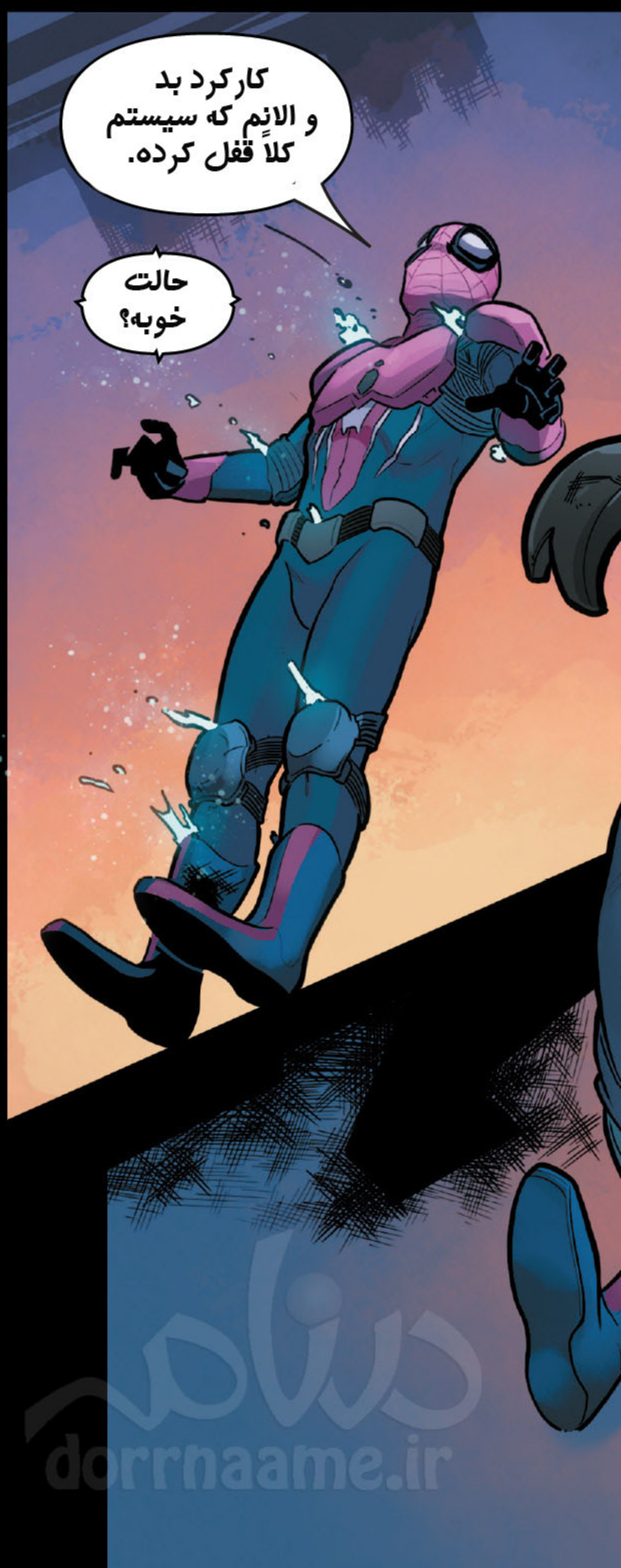
اینو  
بچسبون!

همین!  
پرت می شی  
به سمت توده ها.

CLANG

KREESH

هه.  
اینکه یه  
دقیقه یه جا  
ساکن بمونی هم  
بد نیست ها.





ولی زره  
کار کرد عالی  
داره.

من چیزی  
حس  
نمی کنم.



ضمناً شکست  
بخشی از علمه.

این درسته.



به همین  
دلیل...  
...تست  
می کنیم.



اون منو  
گرفت! اون منو  
گرفت!

از حضور تون  
کمال تشکر رو دارم  
رفقا.



به معنی  
واقعی کلمه بدون  
وجود شما نمی تونستم  
انجامش بدم.

شام.

از هیچ چیز  
به اندازه خوردن  
شام تو یه محیط  
آروم خوشم نمیاد.

همم؟

خدای من.  
خیلی  
متأسفم.

دارم وقت  
باهم بودنمون  
رو خراب  
می کنم.

ه.  
نه.

هیچ  
مشکلی  
نداره.

نه. تو از  
سکوت  
متنفری.

آره.  
ولی وقتی تو  
در این منطقه  
قرار می گیری.  
جذاب می شی.

تحقیقات بهت  
میاد.

حتی وقتی  
در حال بررسی  
یه داستان  
ترسناکم؟

وقتی  
مری جین  
واتسون مشغول  
حلش باشه  
دیکه داستان  
ترسناک  
نیست...

...برای  
مدتی  
طولانی...

تو  
نمی تونی  
فرار کنی

سرعت  
کافی نداری.

CHOMP





**ادامه داردا!**

NEXT:

MARVEL

# SPIDER-MAN

VELOCITY

# 2

دورنامه

dorrname.ir

مرجع کمیک های فارسی